

بسم الله الرحمن الرحيم

عبرت‌هایی که از صدمین یادبود حرکت خلافت در هند (1919-1924) که به منظور دفاع از خلافت تأسیس شده بود، باید

آموخت

(ترجمه)

از بزرگترین و غم‌انگیزترین حوادثی که امت اسلامی بدان گرفتار شده سقوط دولت خلافت در 28 رجب 1342 هـ.ق (3 مارچ سال 1924 م) است. از این روز به بعد عمل به شریعت الهی و تطبیق احکام قرآن از منصفه تطبیق در جامعه توقف نمود. از این روز به بعد امت سپر خویش را از دست داد و طعمه گریان و کفار استعمارگر شد. لیکن با سقوط این دولت بزرگ امواج اعتراضی عظیمی در همه اطراف و اکناف جهان اسلام بلند شد، مسلمانان حتی توان تخیل جهان بدون خلافت و بدون احکام الله را که جای آن را سکولاریزم و دموکراسی بگیرد، نداشتند؛ این روز از سیاه‌ترین ایام تاریخ مسلمانان بود و بر همین مبنا صدای مسلمان بر ضد سقوط خلافت بلند شد. از بارزترین صداهایی که در آن ایام بلند شد، نشأت «حرکت خلافت» در شبه قاره هند، توسط دو برادر "مولانا محمدعلی جوهر" و "مولانا شوکت علی" بود. این حرکت در سال 1919 م زمانی تأسیس شد که این دو برادر برنامه انگلیس مبنی بر نابودی خلافت عثمانی را درک کردند. در این مقاله می‌خواهیم عبرت‌هایی را که امت از آن حرکت بزرگ و نیرومند گرفت برجسته سازیم:

الف) فرضیت خلافت: خلافت اساسی از اساسات اسلام است، مسلمان از 1400 سال بدین سو درک کردند که خلافت فرض عظیمی از فرایض اسلام است و زنده‌گی بدون آن در چهار دیواری شعائر روحی و مراسم مذهبی محصور می‌ماند. علمای شبه قاره هند خلافت را فرض اساسی اسلام تعریف کرده‌اند. شاه ولی الله دهلوی (1703-1762 م) یکی از این علمای بارز و برجسته بود، که نزد پیروان مذاهب مختلف از حرمت و جایگاه بلندی برخوردار است. کتاب برجسته "إزالة الخفاء عن خلافت الخلفاء" از مهم‌ترین تألیفات شاه ولی الله محدث دهلوی رحمت الله علیه است، که در آن پیرامون اساسی بودن قضیه خلافت در اسلام بحث عمیقی نموده است، در این کتاب مرحوم شاه ولی الله محدث دهلوی خلافت را چنین تعریف کرده است: «خلافت ریاست عامه مسلمانان برای اقامه دین با احیای علوم دینی، اقامه ارکان اسلام، قیام به جهاد و آنچه به آن تعلق دارد از جمله تجهیز لشکر و فرض ساختن قتال، توزیع فیء، قیام به قضاوت و داوری، اقامه حدود، رفع مظالم و امر به معروف و نهی از منکر به نیابت از رسول الله صلی الله علیه وسلم است.» [1]

مؤسسان و اعضای بارز و برجسته حرکت خلافت اعم از متدیینان، صوفیان، سلفیان، سیاست‌مداران اصلاح‌گرا و مفکرین مانند مولانا مودودی؛ علم را از شاه ولی الله محدث دهلوی به ارث برده‌اند.

ب) اخوت اسلامی: الگوی دولت-ملت و حکومت‌های وستفالیایی مفهوم «ولاء و براء» مسلمانان را تغییر داده و در داخل حدود هر کشور تعریف کرده است. اسلام از حدود وطنی فراتر رفته و ولاء را به مفاهیم و افکار اسلامی ترکیب داده است، همانگونه در کلام رسول اکرم صل الله علیه وسلم آمده است، آنجا که می‌فرماید:

«مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَوَادُّهِمْ وَتَرَاحِمِهِمْ وَتَعَاطُفِهِمْ مَثَلُ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى مِنْهُ عُضْوٌ تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ الْجَسَدِ بِالسَّهْرِ وَالْحُمَّى» (بخاری)

ترجمه: مثال مؤمنان در دوستی، ترحم، و محبت همانند جسد واحد است، هنگامی که عضوی از درد شکایت کند همه جسد را به تب و همدردی فرا می‌خواند.

در زمانی که مسلمانان غرق در مفکوره فاسد وطن‌پرستی بودند، این تنها خلافت بود که وحدت امت اسلامی را تحت چتر خلیفه واحد تمثیل می‌کرد. در دولت خلافت هجوم بالای مسلمانان دهلی جدا از حمله بالای مسلمانان ترکیه نبود، واکنش در برابر هر یکی نزد مسلمانان یکی بود. وقتی که رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم مسلمانان را جسد واحد خوانده است چگونه خواهد بود واکنش نشان دادن به آلام دین و دنیا؟! جنگ جهانی اول فاجعه‌ی بود خسارات سنگینی را بر خلافت عثمانی وارد کرد، که در نتیجه منجر به بلند شدن صداهایی از شبه قاره هند جهت حمایت برادران‌شان شد، و آن انعکاس طبیعی از فهم حقیقی اخوت اسلامی بود، هنگامی که اخبار ترمذ شریف حسین (والی عثمانی در مکه) بر ضد خلافت عثمانی به هند رسید، هردو برادران (مولا محمدعلی جوهر و مولانا شوکت علی) با این تصور که این خبر دروغ است آن‌را تکذیب کرده و نپذیرفتند. [4] در عین زمان کمیته عمومی هند برای خلافت در گردهمایی اعلان کرد که بر لشکر مسلمانان هند لازم است تا دست‌رد به سینه حکومت بریتانیایی در هر نوع جنگی علیه ترکیه بزنند. هم‌چنان به حرمت حمل سلاح از جانب مسلمانان علیه برادرش حکم صادر کردند. [5]

ج) حفظ هویت اسلامی سازش ناپذیر: هند جزئی از خلافت اسلامی بود که بریتانیا آن‌را در سال 1858م استعمار کرد که بعد از آن شاهد ترمذ مسلمانان علیه بریتانیا بود. در عین زمان گروه‌های با هویت وطنی در داخل هند برای بیرون راندن بریتانیا شکل گرفت. حرکت "کنگره ملی هند" از جمله برجسته‌ترین جنبش‌های هند بود که در سال 1885م تأسیس شد. ملاحظه می‌کنیم که از میان این دو جبهه ضد انگلیس که در هند شکل گرفت، مسلمانان سهم بزرگ و نیرومندی در قتال و اخراج بریتانیا به منظور استمرار هند زیر پرچم اسلام و به حیث ولایتی از خلافت داشتند. مسلمانان هند با ثبات و پایداری تمام بر حفظ این هویت بدون کمترین تنازل از موقف‌شان ایستادند و "کنگره ملی هند" نیز با این اعتقاد که یگانه راه نجات حمایت از مسلمانان و پذیرش مسیر حرکت مسلمانان است با داعیان خلافت یکجا شد و از آنان حمایت کردند. مسلمان در عین حالی که یکجا با هندوها بر ضد استعمار بریتانیایی کار و فعالیت می‌کردند، از هویت اسلامی خویش و از مفاهیم اسلام تنازل نکردند. هماهنگی با هندوها در مبارزه علیه اشغال بر مبنای فتوایی بود که پیمان سیاسی و روابط دوستانه با غیر مسلمانانی را که دشمن اسلام نیستند اجازه می‌دهد. باوجود این؛ فتوی تأکید بر این داشت که قیادت مسلمانان به دست کفار جواز ندارد. [6]

د) وحدت نظر مسلمانان به خلافت: مسلمانان از مذاهب مختلف جزء نهضت خلافت شدند، مولانا (ابوالکلام آزاد) از مذهب ظاهری از آن جمله بود که با سایر علمای اصولیین به مبارزه برای حفظ خلافت برخاست. آن‌ها کسانی بودند که اختلافات خویش را بخاطر یک مصلحت بزرگ و قضیه سرنوشت‌ساز که آن تطبیق احکام الله بود که تطبیق آن بدون موجودیت خلافت ممکن نیست کنار گذاشتند. عالم برجسته دیگری از مذهب دیوبندی (مولانا محمود الحسن) بعد از رهایی از زندان بریتانیایی Malta

(کشوری در جنوب اروپا) در سال 1920 حرکت خلافت را تأیید نموده و در آن سهم بسزائی گرفت. عضو برجسته دیگری این حرکت «مولانا عبدالباری» از مدرسه مشهور "فرنچی محل" بود. در عین حال مولانا عبدالباری از مذهب صوفی بود، مولانا عبدالباری عضو فعال جمع کردن اموال برای ترکیه در سال 1911م با جمله دوستانش در ولایت "اوتاردبرادیش" (ولایتی از هند) بود. او در پی برقراری تماس با دو برادر (علی جوهر و شوکت علی) شد و بعدها عضو فعال و پر نشاط حرکت خلافت بود، در حرکت خلافت علمایی از اهل تشیع نیز اشتراک داشتند مانند (امیر علی)؛ که با اهل سنت اتحاد نموده اختلافات مذهبی را کنار گذاشته تا خلافت عثمانی را که به سمع و طاعت با آن بیعت نموده بودند محافظت نمایند، حرکت خلافت در شبه قاره هند انتشار و توسعه یافت و در اکثر ولایات گسترش پیدا کرد. خلافت مسلمانان را وحدت داد (علی مسلمیار) از ولایت کراالا عضو فعال این حرکت بود.

ه) **سیاست جزء جدا ناپذیر دین است:** یکی از آثار فاجعه بار سکولاریزم بالای مسلمانان غایب شدن مفاهیم سیاست از اسلام است. در غیر آن هم این مفهوم در تاریخ مسلمانان هند وجود نداشته است؛ افکار سیاسی در حرکت خلافت تأثیر بزرگی داشت؛ زیرا؛ سیاست جزء جدا ناپذیر دین است؛ چنانچه رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید:

«كَانَتْ بَنُو إِسْرَائِيلَ تَسُوسُهُمُ الْأَنْبِيَاءُ، كُلَّمَا هَلَكَ نَبِيٌّ خَلَفَهُ نَبِيٌّ، وَإِنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي، وَسَيَكُونُ خُلَفَاءُ فَيَكْتُمُونَ. قَالُوا: فَمَا تَأْمُرُنَا؟ قَالَ: فُوا بَبَيْعَةِ الْأَوَّلِ فَالْأَوَّلِ، أَعْطَوْهُمْ حَقَّهُمْ، فَإِنَّ اللَّهَ سَأَلَهُمْ عَمَّا اسْتَرَعَاهُمْ»

ترجمه: امور سیاست بنی اسرائیل را انبیاء به پیش می بردند، هرگاه نبی از بین می رفت نبی دیگری جای او را می گرفت، اما پس از من هیچ نبی نخواهد آمد؛ بلکه خلفا به کثرت خواهند بود. گفتند: در مورد آنان به ما چه دستور می دهی؟ فرمودند: به بیعت اولی خود وفا کنید و حق آنان را بدهید؛ الله متعال آنان را نیز از رعایت امور رعیت شان سؤال و محاسبه خواهد کرد.

مولانا (أبو الکلام آزاد) در مجله مشهورش "هلال" می گوید: «مسلمانی که دین را از سیاست جدا می داند مرتد است؛ لیکن به شکل خاموشانه کار می کند.» [2]. مفتی کفایت الله شاگرد مولانا محمود الحسن در خطابه خویش گفته بود: «مسلمان حقیقی دین و سیاست را دو امر جدا از هم نمی داند.» [3]

و) **قربانی ها بخاطر خلافت:** در زبان اردو نقلی قولی از "بی امان" مادر دو برادر (مولانا محمدعلی و مولانا شوکت علی) وجود دارد، که مادر محمدعلی می گوید: «ای فرزندم، زنده گی ات را در راه خلافت صرف کن.» او تا آن گاه که دستگیر و زندانی شد، خودش از اسلام حمایت کرد؛ طوری که به فرزندش می گوید: «اسلام را به قوت بگیر، به زنده گی زیاد اهمیت مده، اگرچه در راه اسلام قربانی شوی.» اولادهای او از این کلام او قوت می گرفتند و در خط نخست حفاظت از قضیه سرنوشت ساز اسلام یعنی خلافت بودند. الله متعال "بی امان" و اولادهای صالح او "مولانا محمدعلی و مولانا شوکت" را برکت دهد! اللهم آمین!.

عالم برجسته دیگر (محمود الحسن) کسی است که همه طلاب و شاگردانش را برای قتال و حفاظت از خلافت عثمانی جمع کرده و حرکت مشهورش را به نام راه ابریشم مسمما کرد، به همین خاطر بریتانیا او را حین سفر به مکه مکرمه بخاطر عدم تأیید خیانت شریف حسین دستگیر و به مدت سه سال در زندان مالت زندانی کرد و چنان در معرض شکنجه قرار داد که حتی کسانی که او را

بعد از موت غسل و تکفین کردند، صدمه روانی دیدند؛ در پیکر او چیزی از گوشت و روغن نیافتند (آنچه بود مجموعه چند استخوان در قالب اسکلیت بود). او را در زندان چنان تعذیب می کردند که میله داغ آهنین را در پشتش می گذاشتند و می گفتند: «ای محمودالحسن! برای مصالح بریتانیا فتوی بده!»، هنگامی که درد و المش کاهش می یافت و به هوش می آمد، چنین پاسخ می داد: «ای انگلیس! من وارث بلال حبشی هستم؛ اگر پوست بدنم را جدا کنی؛ ابدأً به مصالح انگلیس فتوی نمی دهم.»

ز) **خطرناکی مبارزه در عدم وجود وعی سیاسی:** حرکت خلافت هند در سال 1921 م اموالی بسیاری را جمع آوری نموده و به نسبت عدم آگاهی از خیانت اتاترک آن را به حکومت انقره تحت ریاست مصطفی کمال خائین فرستاد. اعضای حرکت خلافت بعد از الغای خلافت به خیانت اتاترک اعتراف کردند. مصطفی کمال خائین از افکار حرکت "جوانان ترک" و کمیته "اتحاد و ترقی" که با افکار قومی و لیبرال دموکراسی ایجاد شده بودند متأثر شد؛ طوری که اتاترک در توطئه‌ی سقوط خلافت عثمانی و تأسیس جمهوریت دموکراتیک با هویت ملی از درون همکار شد.

اتاترک خائن حکومت موازی را در سال 1921 م در انقره تأسیس کرد و تلاش نمود تا رأی عام را بر ضد خلافت به اتهام این که مزدور انگلیس است تحریک کند. او خود را چنان جلوه داد که ناجی مسلمانان و دشمن انگلیس است، در حالی که او در حقیقت دشمن اسلام و مسلمانان و باورمند به افکار کفر بود؛ افکار ناسیونالیسم ترکی و لیبرالیسم و سکولاریسم. بنا بر این وعی سیاسی نجات دهنده امت از برنامه های کفار است و شناخت دشمنان اسلام و مسلمانان را ممکن می سازد، همان طور که بر اساس قاعده "ما لا یتیم الواجب إلا به فهو واجب" بر مسلمان واجب است تا وعی سیاسی داشته باشند.

و در آخر: تا هنوز مسلمانان مدیون این حرکت نجیب هستند که تلاش کرد تا خلافت را از سقوط نجات دهد، در این مبارزه مخلصین برای نجات اسلام عبرت های بس بزرگی نهفته است؛ بر ما لازم است تا در مورد مبارزه علماء بزرگ خویش از شبه قاره هند فکر کنیم و برای اقامه خلافت راشده ثانی بر منهج نبوت در جهان اسلام سعی و تلاش کنیم و امت را به جایگاه اصلی اش برگردانیم تا در نتیجه همه مردم از ظلمات و تاریکی های دموکراسی و سکولاریسم به عدل اسلام خارج سازیم. الله متعالی می فرماید:

﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا﴾ [۲:۱۴۳]

ترجمه: همان گونه (که قبله شما، یک قبله میانه است) شما را نیز، امت میانه ای قرار دادیم (در حد اعتدال، میان افراط و تفریط) تا بر مردم گواه باشید و پیامبر هم بر شما گواه است.

برادران عزیز! حزب التحریر در مبارزه سیاسی خویش برای اعاده زندگی اسلامی و اقامه خلافت راشده ثانی بر منهج نبوت از مدت شش دهه بدین سو پیوسته کار و فعالیت می نماید. لازم است تا در مسیر واضح خویش که از طریق اجتهاد امیر اول حزب مرحوم شیخ تقی الدین النبهانی رحمه الله تعالی بدون کدام تغییر و تنازل باقی بوده حرکت کنیم. این کاروان با شیخ تقی الدین النبهانی رحمه الله تعالی آغاز گردید و کاخ های حکام طاغوتی در جهان اسلام را به لرزه در آورد. اعضای حزب در زندان های

ظالمان و طاغیان در معرض شکنجه قرار گرفتند مگر نتیجه این تعذیب ها جز افزودن بر عزم شباب و ثبات قدم جهت عمل به اقامه اسلام چیزی دیگری نبود. رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید:

«أفضل الجهاد كلمة حق عند سلطان جائر» (رواه أبو داود والترمذي وابن ماجه)

ترجمه: پرفضیلت ترین جهان گفتن سخن حق نزد حاکم ظالم است.

برادران عزیز! حدود یک قرن از تعطیل احکام الله در روی زمین سپری می شود و امت یتیم شده و همانند طعمه شکار شده ای است که گرگ ها شکار و پاره اش کردند. حکام مزدور بر امت اسلامی مسلط گشته، جرم و جنایت علیه این امت بزرگ همه روزه رو به افزایش است. بر ما لازم است تا این فرموده رسول الله صلی الله علیه وسلم را یاد کنیم:

«إنما الإمام جنة يُقاتل من ورائه ويَتقى به»

ترجمه: خلیفه و امام سپر است که از ورای آن جنگ و به آن پناه برده می شود.

ای مسلمانان! مهلتی مباح-سه روزه ای-را که شریعت برای نصب خلیفه معین کرده سپری شده است. بنابر این مسلمانان از مدتی زیادی بدین سو گناهکاراند، حالا زمان وجوب بیعت به خلیفه فرا رسیده است؛ چنانچه رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید:

«مَنْ خَلَعَ يَدًا مِنْ طَاعَةِ لِقَى اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا حُجَّةَ لَهُ وَمَنْ مَاتَ وَلَيْسَ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»

ترجمه: کسی که از اطاعت امام خود را خلع کرد در روز قیامت با الله چنان روبه رو می شود که هیچ حجتی ندارد و کسی که بمیرد و بر گردنش بیعتی نباشد، در مرگ جاهلیت مرده است.

ای امت بزرگ و نیرومند! زمان بازگشت و برپایی خلافت راشده ثانی بر منبج نبوی فرا رسیده است و تحقق بشارت رسول الله صلی الله علیه وسلم نزدیک و نزدیک تر شده است؛ پس بشتابید به سوی خیر و جزئی از کاروان بزرگ و نیرومند مبارزه برای تحقق بشارت رسول الله صلی الله علیه وسلم باشید، آن چنان که رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: «ثُمَّ تَكُونُ خِلَافَةٌ عَلَيَّ مِنْهَاجِ النَّبِيِّ»

نویسنده: عبدالفتاح بن فاروق-هند

مترجم: قسیم راحل

منابع

1. 6, Pg 1Izalal al-Khafa)an Khilafat al-Khulfa – vol

2. 180– Pg 1972Hardy, Peter. The Muslims of British India. Cambridge University Press,

Minault, Gail. The Khilafat Movement: Religious Symbolism and Political Mobilization in India.	.3
61– Pg 1982Oxford University Press,	
Minault, Gail. The Khilafat Movement: Religious Symbolism and Political Mobilization in India.	.4
57– Pg 1982Oxford University Press,	
Minault, Gail. The Khilafat Movement: Religious Symbolism and Political Mobilization in India.	.5
139– Pg 1982Oxford University Press,	
Minault, Gail. The Khilafat Movement: Religious Symbolism and Political Mobilization in India.	.6
121– Pg 1982Oxford University Press,	
Minault, Gail. The Khilafat Movement: Religious Symbolism and Political Mobilization in India.	.7
34– Pg 1982Oxford University Press,	
147– Pg 2000Abdul Qadeem Zallum, How the Khilafah was Destroyed. Al-Khilafah Publications,	.8